



موشکافی یک شب متمایز برای تئاتر در گفت‌وگو با رحمت امینی

وقتی مناظره سیاسی

به گفت‌وگوی فرهنگی تبدیل شد

گزارش

فاطمه‌تر کاشوند

روزنامه‌نگار

سه‌شنبه‌شب گذشته در جریان برگزاری دومین شب از سلسله نشست‌های تخصصی حقوق تئاتر در خانه تئاتر، شب متفاوتی برای اهالی تئاتر اتفاق افتاد که بیراه نیست اگر بگوییم تا پیش از آن تجربه نشده بود و شاید تا سال‌ها بعد هم مشابه آن کمتر پیدا شود. محمود سالاری، معاون هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با حضور در این مراسم تا پاسی از شب به گفت‌وشنود با اهالی تئاتر پرداخت و این درحالی بود که ادبیات جاری در نشست، تنش‌های فرهنگی و سیاسی و اختلاف‌نظرها پیرامون مسأله همیشه پرحرارتی به نام ممیزی، وضعیت را متفاوت از هر نشست تخصصی یا عمومی دیگری می‌کرد. از این رو، نه‌تنها نفس حضور مقام ارشد هنری دولت در جلسه‌ای با این شرایط از سوی اهالی تئاتر به ادغان بسیاری از آنان، مورد احترام و متمایز تلقی شد بلکه شفاف شدن نظرات مدیران گذشته و حال و همچنین هنرمندان فعال تئاتر درباره موضوع «ممیزی»، ترسیم نقشه راه آینده را روشن‌تر و تعامل با بازیگران این کوسبستم را هموارتر کرد. با رحمت امینی، کارگردان و نویسنده و مدرس نام‌آشای تئاتر که تجربه مدیریت دولتی در این حوزه را نیز داشته، درباره این اتفاق نادر گفت‌وگو کردیم:

شما هم نویسنده و کارگردان و پژوهشگر تئاتر هستید و هم مدیریت دولتی را در این حوزه تجربه کرده‌اید. ارزیابی‌ شما از برگزاری این جلسات چیست؟

به نظر من نفس گفت‌وگو به هر صورتی که شکل بگیرد، خیلی خوب است اما بـدی این نوع گفت‌وگوها به همان فرهنگی برمی‌گردد که وقتی یک طرف دارد حرف می‌زند، مخاطبش به جای گوش دادن به صحبت‌های او، در حال فکر کردن به پاسخ‌های خودش است. این مشکل متأسفانه وجود دارد و این یک مسأله فرهنگی است که در تمام سطوح آن را می‌بینید؛ از یک مناظره انتخاباتی سیاسی گرفته تا یک گفت‌وگوی فرهنگی میان هنرمندان؛ با وجود این رواج چنین فرصت‌هایی برای گفت‌وگو، منتقم است. خود من آخرین بار در جشنواره تئاتر دانشجویی سال گذشته این تجربه



موشکافی یک شب متمایز برای تئاتر در گفت‌وگو با رحمت امینی

وقتی مناظره سیاسی

به گفت‌وگوی فرهنگی تبدیل شد

نیست و این فضا به مرور به سطوح پایین‌تر و به برویچه‌های جوان‌تر تسری پیدا می‌کند و به صفحات اینترنتی می‌رود و توهمین‌ها وارد ادبیات گفت‌وگو می‌شود.

مثلاً در ادبیات یکی از مدعوین که حضور داشتند و بنده هم بودم و صحبت‌هایی داشتم، چنین اتفاقی افتاد. اما با این حال ما نمی‌توانیم به خاطر اینکه جملات و ادبیات و کلمات ایشان، به تعبیری شایسته چنین نشستی نبوده، تنوان و مهارت و دانش او را در تئاتر زیر سؤال ببریم و انکار کنیم، چون در این صورت، آن دسته از افرادی که این هنرمند را به واسطه توانایی‌هایش می‌شناسند، دیگر حرف ما را باور نخواهند کرد، چون ما داریم چیزی را نقد می‌کنیم که جلوی چشم همگان است و انکار بدهیمات باعث می‌شود که حرف درست ما هم شنیده نشود. باوجود این ادبیات ناشایست اما شکل گیری دیالوگ را در چنین جمع‌هایی مثبت می‌داند. خود آقای سالاری هم همین نگاه را داشتند و از این نشست‌ها با عنوان کرسی آزاداندیشی یاد کردند. به نظراتن چه آسیب‌هایی ممکن است داشته باشد و اصلاً باید نگران ترازول جایگاه مدیریت حقوق حضور در چنین جمع‌هایی بود یا خیر؟

در چنین جلسه‌ای که درباره تئاتر و ممیزی است، منطقیاً مسئولی باید شرکت کند که مستقیماً با آن موضوع در ارتباط است و آن مسئولیت را دارد؛ یعنی یا رئیس شورای ارزشیابی و نظرات حضور داشته باشد یا نهایتاً مدیرکل اداره هنرهای نمایشی چرا که مسأله جلسه، عملاً به حوزه مدیریت این مسئولان بازمی‌گردد و پاسخگویی باید از سوی آنان اتفاق بیفتد تا نگاه مرجع مستقیم این امر برای هنرمندان

موقع عمل به دوران جاهلیت برگردیم. نظر شما درباره انتخاب مسأله در این جلسه یعنی «ممیزی» چیست؟ برگزار کردن یک نشست در این باره باتوجه به شرایط کشور تا چه اندازه پیش‌برنده است؟ قرار است ذیل چنین عنوانی، اساس ممیزی در سازگار فرهنگی کشور به چالش کشیده شود یا شکل اجرای آن مورد نقد قرار بگیرد؟

من در جلسه اول این سلسله نشست‌ها اشاره کردم. در اینکه ممیزی یکی از موضوعات مبتلابه تئاتر ماست، تردیدی نیست و این مسأله از پیش از انقلاب وجود داشته؛ ببینید کلمه «ممیزی» به معنای تمیز دادن است. وقتی که خود من رئیس این شورا شدم، می‌گفتم که اسم آن «ارزشیابی و نظارت» است. چرا کلمه «ارزشیابی» را حذف و کم‌رنگ کرده‌ایم و کلمه «نظارت» عملاً جایگزین شده است؟ همین قصه درباره عنوان وزارت مختصرشده «وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی» در نظر گرفته‌ایم. این بیش از آنکه یک روش آسان‌سازی یا اختصار باشد، نشانه نوعی تلقی است که در ذهن‌ها جا افتاده، انگار که وظیفه‌ای وزارتخانه این است که فقط بگوید این کار را بکن و این‌کار را نکن!

درباره «شورای ارزشیابی و نظارت» هم ماجرا این است که باید این شورا بر اساس معیارها و ارزش‌های هنری، یک اثر را تمیز دهد. در کنار آن، مسائلی مثل رعایت چهارچوب‌های عرفی و اجتماعی و اخلاقی جامعه وجود دارد که آن را اغلب هنرمندان می‌شناسند و بنا بر مقتضیات هر دوره و زمانه‌ای شرایط آن را می‌دانند. در خصوص ممیزی حرف من این است که چهل و چند سال پس از یک انقلابی که بر فرهنگی بودن آن تأکید شده، بیش از آنکه سیاسی باشد، فرهنگی بوده است همه به صورت خود-جوشی خودانگیخته باید در این قالب فرهنگی پیش می‌رفتند و اثر تولید می‌کردند و بعد از آنکه اثر تولید می‌شد، اگر مسائلی داشت از سوی خود جامعه با واکنش مواجه می‌شد. شرایط باید به گونه‌ای پیش می‌رفت و بی‌رود که خود هنرمند آگاهانه و خودخواسته، اثرش را با دیدگاه‌های خودش تولید کند.

این رویکرد درست اما خیلی ایده‌آل است. اصلاً چنین چیزی امکان

ایده‌آل است اما شما چرا الان روزنامه‌تان را اول منتشر می‌کنید و بعد اگر مشکلی داشت، مراجع مرتبط تصمیم می‌گیرند؟

روزنامه و رسانه، اثر هنری نیستند. بالاخره از هر هنرمندی، اثری تولید می‌شود که برآمده از خلق و خو و اعتقادات و سلیبک اوست و طبیعتاً ضرب نفوذ اثر هنری بیش از سایر تولیدات فرهنگی است.

بله این مقدار که روشن است. خودم

یک گفت‌وگویی با یکی از دوستان تئاتری در فرانسه داشتم. ایشان می‌گفت اینجا هیچ چیزی سانسور نمی‌شود و درست هم می‌گفت اما من از او پرسیدم، می‌توانم درباره مسأله هولوکاست هم بدون سانسور در اینجا کاری را روی صحنه بپریم؟ او گفت نه، این موضوع در سراسر اروپا فرق می‌کند! فارغ از هولوکاست که یک استثناست، هیچ نهاد یا اداره سازمانی در هیچ کشور اروپایی (و البته در اغلب نقاط جهان) نیست که به شیوه ما به سانسور آثار نمایشی بپردازد.

پس بالاخره هر جایی متناسب با چهارچوب‌هایی که باور دارد، یک چیزهایی را سانسور می‌کند.

بله، حتماً همین‌طور است اما من ندیدم جایی مجموعه قوانینی گذاشته باشند که جزئیات یک اثر را مشخص کند که چطور باشد. البته قبول دارم این هم خیلی ایده‌آل است انتظار نداشته باشیم این چهارچوب‌ها خود به خود رعایت شوند چون جامعه باید به این بلوغ برسد و هنرمند است که باید جامعه را به این بلوغ برساند. ولی معتقدم باید تا جای ممکن تلاش کنیم قواعد پرتعداد و پایدنبایدها برای هنرمندان کاهش پیدا کند و به این سمت برویم که خود هنرمند، امکان، توانایی و باور داشته باشد که اثری را تولید کند که جامعه آن را بپذیرد. به سایر کشورها اشاره کردید اما بالاخره چهارچوب‌های فرهنگی کشور ما و حوزه‌خاورمیانه یا کشورهای اروپایی فرق دارد و طبیعاً ما هم حق داریم چیزهایی را متناسب با این فرهنگ ممیزی کنیم.

نباید عقب‌گرد کنیم، به مرور و طی چند دهه، هنرمند قواعدی را پذیرفته و در خود دورتی کرده است. این را هم بگوییم که در جاهایی اصلاً خود اثر که بیرون از هنجار باشد، مخاطب را پس می‌زند و خود تماشاگر دیگر آن را نمی‌بیند. مثلاً در کم‌دی‌های شبانه یا همان لاله‌زاری که خیلی به تماشایشان می‌روم، بسیار دیده‌ام که خود تماشاگر به هنرمندان معترض می‌شود که فلان جا را خیلی بی‌پرده اجرا کردید و بسیار دیده‌ام که گروه هم در شب‌های بعدی آن بخش‌ها را تعدیل می‌کند. باید به سمت خودکنترلی فرهنگی برویم.

بدانچه که این بدترین شکست برای یک اثر است که مخاطب دیگر نخواهد آن را ببیند یا بعد از یکی دو تجربه، یک هنرمند یا کارگردان را کلاً کنار بگذارد، به‌خصوص حالا که حمایت‌های مالی حذف شده و گروه تئاتری واقعاً اثر نتواند مخاطب را نگه دارد، به مشکل خواهد خورد. این شرایط را حرکت بطنی فرهنگی می‌تواند درست کند.



نفس گفت‌وگو به هر صورتی که شکل بگیرد، خیلی خوب است اما بدی این نوع گفت‌وگوها به همان فرهنگی برمی‌گردد که وقتی یک طرف دارد حرف می‌زند، مخاطبش به جای گوش دادن به صحبت‌های او، در حال فکر کردن به پاسخ‌های خودش است.

این مشکل متأسفانه وجود دارد و این یک مسئله فرهنگی است

یادداشت

مگر در مرزهای بدون ممیزی

اثر هنری خارق العاده‌ای خلق شد؟

محمد حمیدی / هفته گذشته دومین شب از سلسله نشست‌های تخصصی حقوق تئاتر پیرامون یکی از بحث برانگیزترین موضوعات نه تنها تئاتر کشور که اساساً هنر، آن هم از قدیم‌الایام تا کنون برگزار شد. موضوعی یا بهتر بگوییم چالشی که سالیان سال است نقل محافل هنری و ادبی کشور بوده که در ادوار سابق نیز همواره با فرازفروده‌های بسیاری روبه‌رو شده است در یک دوره سخت‌گیری‌های بسیار و در دوره دیگر آزادی‌های بی‌حدومرز عملاً وجه ناخوشایندی را در بین تمامی طبقات و عقیده‌ها در حوزه تئاتر کشور پیرامون موضوع نظارت برجاذگذاشته است. اما آنچه مسلم است اینکه هر کشوری برای تولید آثار هنری از قواعد و قوانینی خاص و منحصربه‌فرد برخوردار است که عدول از آن حتی به‌اندازه سسر سوزنی مستلزم جرایم سنگین است؛ امری که بسیاری از نفرات حاضر در دو نشست تخصصی حقوق تئاتر مستلزم جرایم سنگین است؛ امری که بسیاری از نفرت‌هاستخوان فارغ از درست و غلط بودن ایستادگی خواهند کرد یا چرایی این تصمیم بحث مبسوط و مفصلی را می‌طلبند که می‌بایست در مجال خود انجام شود.

اما آنچه باعث نگراش این یادداشت شد نفس برپایی و نشستی بود که شامگاه سه‌شنبه ۲۴ مرداد در خانه تئاتر با حضور بزرگان تئاتر کشور و یک مقام بلند پایه وزارت فرهنگ و ارشاد دولت سیزدهم صورت گرفت. محمود سالاری به‌عنوان معاون هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با حضور در این نشست علی‌رغم اینکه باتجربه شب نخست که متأسفانه برخی‌ها با استفاده از الفاظ بسیار ناپسند و صحبت‌های سخیف مطرح شده شائبت جلسه و افراد حاضر در آن را نگه نداشتند اساساً یک جسطر خاص را می‌طلبید و این در حالی بود که طی سالیان گذشته نشست‌هایی به‌مراتب کم‌رق‌تر از این سلسله‌نشست‌ها برپا شده بود که هیچ خبری ولو از حضور یک مسئول رده میانی اداره کل هنرهای نمایشی هم نبود چه برسد به معاون هنری. بی‌شک یکی از دستاوردهای نشست هفته گذشته نیز بر پایه جسارت و صدا البته صداقت شخص معاون هنری رقم خورد که هنرمندان بدون رو درپایستی چهره‌به‌چهره و بی‌پروا و در صریح‌ترین حالت ممکن با معاون هنری وزارت ارشاد به گفت‌وگو نشستند.

البته این نکته را نیز نباید از یاد ببریم که محمود سالاری در ابتدای سخن هدف از برپایی این جلسات را نه رسیدن به نتیجه و اصلاح امور بلکه امری سیاسی عنوان کرد؛ اما با اعتقاد و توجه به مقوله کرسی‌های آزاداندیشی موردنظر رهبر انقلاب در این جلسه حاضر شده است. اما به هر دلیل ما بر نیتی پشت پرده و فرمتی این سلسله جلسات برپا شده است؛ اما برقراری گفت‌وگوی صریح و بی‌پروا بین هنرمندان و یک مقام مسئول می‌تواند مثبت‌ترین دستاورد این جلسه باشد. البته که پس از برپایی جلسه به دلیل عدم پوشش رسانه‌ای حد اقلی از سوی متولیان حوزه رسانه و روابط عمومی معاونت هنری آنچه در خروجی‌ها مشاهده شد حاوی سیبظت‌های خاص بود؛ اما با مرور نشست که بسیار طولانی هم بود می‌توان گفت‌وگوهای مناسبی را هم ملاحظه کرد که خود نشان از باز شدن جریان گفت‌وگو ولو بسیار صریح و رک با جریان مخالف است.

بی‌شک تعامل سازنده، روبه‌جلبو و برقراری باب گفت‌وگوی صریح و شفاف از شعارهای فرهنگی دولت سیزدهم به شمار می‌رود که نشست هفته گذشته یکی از متقن‌ترین، مستندترین و مهم‌ترین مستندات پیرامون تحقق این شعار بود. در اهمیت این نشست و حضور معاون هنری همین کافی است که هرگز نه‌تنها در تاریخ تئاتر ایران طی چهار دهه گذشته که حتی در دوران قبل از انقلاب نیز سابقه نداشته است که در سطح معاون وزیر در نهاد متولی حوزه فرهنگ و هنر چنین نشست‌هایی برپا شود و این حضور و گفت‌وگو را فارغ از هر نیت و هدف پشت‌پرده‌ای باید به فال نیک گرفت. باز شدن این تعامل و اینکه هنرمندان به‌دور از احترامات مرسوم و بوروکراسی‌های اداری صریح و بی‌پروا با مقام مسئول به گفت‌وگو بنشینند یک بر فرض مثال هیچ خروجی نداشته باشد که قطعاً و حتماً دارد با وام‌گرفتن از سخنان شهرام گیل‌آبادی باید ادعان کرد که حداقل در تاریخ هنر این سرزمین ضبط و ثبت خواهد شد.

شاید به دلیل عدم اطلاع‌رسانی صحیح آن چنان که باید و شاید سخنان سخنرانان جلسه بدرستی منعکس نشده باشد؛ اما باید اشاره داشت که در نشست حقوقی تئاتر سخنان بسیار مهمی نیز ایراد شد که لابه‌لای اظهارنظرهای خاص به چشم نیامد، از سرگذشت عباس معروفی نویسنده معترض به سانسور که به آلمان مهاجرت کرد و هرگز هیچ اثر هنری خلق نکرد گرفته تا عدم یکپارچگی هنرمندان تئاتری و اشاره به ریشه و اصل سانسور در دوران پهلوی اول همگی مباحثی بود که متأسفانه در انتشار و انعکاس آنها توجه نشد.

درهرصورت آنچه مشخص است برپایی نشست هفته گذشته هر چه بود و هر چه شد یک گام روبه‌جلبو برای تعامل سازنده دولت سیزدهم با هنرمندان بود؛ امری که هرگز نمونه مشابه آن در هیچ یک از دولت‌های گذشته رخ نداده است.